

وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش 49)

پیوست به گذشته

سرویس خبر رسانی " آریانا نت " به تاریخ ششم ماه عقرب سال 1388 خورشیدی بخشهایی از یک گزارش "نیویارک تایمز" را که از قول منابع سی ای ای اقتباس شده بود، این چنین به نشر رسانید: " ... احمد ولی کرزی که مظنون به دست داشتن در تجارت پر رونق مواد مخدرکشور است، از سازمان استخبارات امریکا در طول هشت سال گذشته، بطور منظم حقوق و معاش دریافت کرده است... احمد ولی کرزی طی یک مصاحبه گفت که او با مسئولان ملکی و نظامی امریکا همکاری کرده، اما در تجارت مواد مخدر دست نداشته و حقوقی از سازمان سیا دریافت نکرده است... یک مقام سابق سیا که تجربه خدمت در افغانستان را دارد، اظهار داشت این سازمان به شدت به احمد ولی کرزی متکی است و غالباً مامورین مخفی خود را در تعمیر های متعلق به وی جابجا و مستقر میکنند..."

در گزارش مورد نظر آمده بود که " بازپرسان ارشد افغانی میگویند اطلاعات فراوانی درباره سهم بودن آقای {احمدولی} کرزی دارند. یک مقام ارشد سابق وزارت داخله طی یک مصاحبه اش در کابل در سال جاری گفت، یکی از منابع عمده نفوذ آقای کرزی بر تجارت مواد مخدر، کنترل وی بالای پُل های کلیدی دریای هلمند که در مسیر بین مناطق کشت خشخاش ولایت هلمند و قندهار قرار دارند، میباشد این مقام سابق وزارت داخله گفت ؛ آقای

کرزی از قاچاقچیان مواد مخدر پول هنگفتی جهت اعطای اجازه عبور لاری های انباشته از تریاک به آنسوی پُل اخذ میکند... حبیب الله جان یک فرمانده نظامی محلی و سپس یکی از اعضای پارلمان از ولایت قندهار در سال 2006 به اداره مبارزه با مواد مخدرگفت که آقای کرزی به همراه حاجی جمعه خان، بخشی از تجارت تریاک آقای نوروزی را پس از دستگیری وی، به خود اختصاص داده اند. "

اسناد و نشریه های مختلف، همچنان " گلُ آقاشیرزی" یکی از فرماندهان جهادی و والی سابق قندهار را نیز از جمله کسانی معرفی کردند که نه تنها نقش عمده یی در قاچاق مواد مخدر داشته ، بلکه در کار اختلاس پول های دولتی نیز فعال بوده است .

از سوی دیگر، گزارشهایی در رسانه های داخلی و خارجی به نشر رسیدند که حاکی از عدم توجه مقام های امریکایی در جهت اقدام مؤثر علیه کشت و قاچاق مواد مخدر در افغانستان بود. یکی از تحلیلگران امریکایی از قول " دونالد رامسفلد" وزیر دفاع امریکا نوشت که " بخاطر تروریسم به افغانستان حمله میکنیم، نه برای مجادله با مواد مخدر. " همین تحلیلگر امریکایی همچنان نوشت : " کالین پاول وزیر سابق خارجه امریکا که در یکی از جلسات کابینه از ارتباط تروریسم با مافیای مواد مخدر سخن {میراند}، گفت که " فراموش نباید کرد که مجادله با مواد مخدر در افغانستان اسباب نا راحتی دوستان ما ن را فراهم میسازد... امریکا نباید جبهه ی جدیدی در مقابل خود بکشد" (185)

" جیمز رایسن" همچنان از قول بارنت روبین نوشت که " در ملاقات با جنگسالاران اظهار داشت در صورتیکه در جنگ با طالبان با ما کمک کنید، هیچکس در قاچاق مواد مخدر به شما مداخله نخواهد کرد... " (186)

بهمین دلیل، برخی از منابع مطلع امریکایی اظهار داشتند که " بعد از حادثه بمگذاری در سفارتخانه های امریکا در کینیا و تانزانیا در سال 1998، اداره ی استخبارات امریکا (سیا) وظیفه گرفت تا یک لیست مکملی از پایگاه ها و نقاط مهم در افغانستان تهیه نموده برای

یک بمباردمان احتمالی، در دسترس پنتاگون قرار دهد. زیاد تر از بیست تا بیست و پنج مرکز تولید هیرویین، لابراتوار خانه های هیرویین و ذخیره گاه های مواد مخدر شامل این لیست بود... بعد از حادثه 11 سپتمبر 2001، زمانیکه امریکا تصمیم گرفت به افغانستان حمله کند، لیستی را که سیا سه سال قبل تهیه کرده بود، بالای میز دونالد رامسفلد وزیر دفاع امریکا قرار داشت، فقط تمام نقاطی که با مواد مخدر ارتباط داشت، از لیست کشیده شده بود... (187)

یکی از هم میهنان بنام (غلام جیلانی وهاج) طی مقاله یی که در سال 2013م، تحت عنوان " مستطیل شیطانی آی.اس.آی - سی.آی.ای - ام.آی-6 وایران " در یکی از نشریه های اینترنتی برون مرزی بچاپ رسید، چنین نوشت: " از هنگامیکه افغانستان نزد روسها پل حیاتی جهت رسیدن به آبهای گرم و برای امریکا، ویتنام دوم مدنظر گرفته شده بود، برای پیشبرد این بازی بزرگ، بودجه کلان مالی ضرورت داشتند که پنجاه درصد این بودجه را استخبارات عربستان سعودی، ام. آی. 6 و سی. آی. ای تدارک میکردند و باقی مانده را با الهام از نیرنگهای کمپنی هند شرقی و تطبیق نظریه الکساندر دی میرانژ رییس سازمان استخبارات خارجی فرانسه، توسط رونالد ریگان رییس جمهور امریکا تهداب گذاری، تهیه و تادیه میگردد که تا فعلاً ادامه دارند. دی میرانژ طی ملاقات رسمی با ریگان میپرسد: آقای رییس جمهور! آیا میتوانم بپرسم که با اشیای ضبط شده از طرف مؤسسات مربوط به مبارزه با مواد مخدر چه میکنید؟ ریگان پاسخ میدهد: بصورت دقیق نمیدانم که با آنها چه میشود، ولی حدس میزنم که باید زیر مراقبت شدید به آتش کشیده شود. دی میرانژ میگوید: آقای رییس جمهور! این یک اشتباه است که شما مرتکب میشوید، ضبط آن چیزها برای من قابل فهم است، ولی سوختاندن آن برایم قابل فهم نیست. من پیشنهاد مینمایم که یک قسمت این مواد را به اردوگاه های شوروی ها به افغانستان بفرستید تا از این طریق نیروی رزمی سربازان ارتش سرخ را به تحلیل برید. آیا این همان شیوه ای نیست که مقاومت ملی ویتنام علیه ارتش شما استفاده کرد و معنویات آنرا به زمین کوفت؟ من

پیشنهاد میکنم بخش باقیمانده آنرا در بازار های جهانی بفروش رسانید تا مصارف جهاد افغانستان را تأمین نماید. ریگان با فریاد بلند میگوید : من تا هنوز چنین اندیشه بلند و پیشنهاد مهم را از هیچکس نشنیده ام و با هدایت به ویلیام کیسی رییس سی. آی. ای، خواستار هرچه عاجل تطبیق نظریه دی میرانژ در افغانستان شد. .. اگر به شکل تداعی به بازی استخباراتی مبارزه با مواد مخدر بنگریم، ولایت هلمند کاملاً وضعیت بنگال را که توسط کمپنی هند شرقی اداره میشد، در ذهن ما مجسم میسازد... خدا میداند چندین نسل جوان افغان با این تجارت به تباهی کشانده میشود و چندین جنگ تریاک مانند چین در افغانستان صورت خواهد گرفت و تاریخ شاهد آن خواهد بود... یکی از موارد افشا گردید که بتاريخ 13 ماه مارچ 2008م در اثر حمله انتحاری در فاصله بین سفارت امریکا و میدان هوایی کابل، چهار نظامی امریکایی به شمول راننده موتر به قتل رسید و در اثر انفجار، خریطه های مواد مخدر به هر سو پراکنده شد. هرچند دولت مردان کابل تلاش زیاد بخرچ دادند تا از رسوایی ارباب شان جلوگیری کنند، اما افسر ناحیه نهم شهر کابل، مشاهدین محل واقعه، حقایق را در برابر خبر گزارها افشا کردند، طوریکه گفته شد این مواد مخدر موتر امریکایی تحت مراقبت و حفاظت دو تانک بصوب فرودگاه کابل در حرکت بود... اسناد گمرکی بندر کراچی از سال 2002 الی 2010 نشان میدهد که به صد ها کانتینر مواد استیک هایدریت بنام اموال افغانی بدون بازرسی و تفتیش از خاک پاکستان داخل افغانستان میگردید... این مواد فقط برای ساختن هیرویین و سایر مواد مخدر به کار میرود..."

شبکه اطلاع رسانی افغانستان نوشت : " دریا زده سال گذشته، کشت و تولید مواد مخدر در کشور ما به چندین برابر افزایش یافته و متأسفانه روز به روز به سمت صنعتی و پیشرفته تر شدن پیش میرود... اما سوال اساسی اینجاست که حامی اصلی کشتگران و قاچاقبران مواد مخدر چه کسانی هستند؟ به راستی هزینه ی ساخت کارگاه های تولید هیرویین را چه کسی پرداخت میکند؟ چرا هرچه قدر هم وزارت مبارزه با مواد مخدر زمینهای خشخاش را به آتش میکشد، باز دو باره سر از خاک بر می آورند؟ . . . ویکتور ایوانوف رییس

سازمان فدرال کنترل و مبارزه با مواد مخدر روسیه طی سخنانی ابراز داشته گفته است؛ برخی از بانکهای کشورهای عربی خاور میانه در حمایت از تولید کننده گان مواد مخدر در افغانستان نقش بسیار بسزایی دارند... درآمدهای حاصله از فروش مواد مخدر در خانه ها نگهداری نمیشود، بلکه در بانکها پس انداز میشود و بانکهای کشور های عربی حوزه ی خلیج فارس با دادن وام به تولید کننده گان مواد مخدر از آنها حمایت مالی میکنند، به نحوی که اگر این حامیان از حمایت ناصحیح خود دست بردارند، به سرعت تولید مواد مخدر سنتی و صنعتی در افغانستان کاهش شدیدی خواهد یافت... " (188)

نشریه مذکور افزود : " غربیها میدانند تلفات مواد مخدر از خونین ترین جنگهای تاریخ بیشتر است. بعنوان نمونه سالانه چهل هزار نفر بر اثر اعتیاد، جان خود را در روسیه از دست میدهند که این میزان، بیشتر از تلفات تمام دوران حضور آنها در افغانستان است ... بطور مثال، هرویین تولید شده در افغانستان که در روسیه مصرف میشود، سالانه بین 75 تا 80 تن است. لذا کشور های غربی با ضعیف ساختن حکومت و نفوذ در عرصه ی قدرت و سیاست در افغانستان، زمینه را برای نا امنی و فعالیت آزاد مافیای مواد مخدر در منطقه ی خاور میانه فراهم میکنند. آلوده ساختن جامعه به فعالیت تولید مواد مخدر، شیوع اعتیاد در بین خانواده ها و جوانان و گسترش فساد و فحشا در جامعه از مهمترین برنامه ها و اهداف ابر قدرتهایی است که از کشت و توزیع مواد مخدر حمایت میکنند تا به اهداف بسیار مخوف و سازماندهی شده ی خود برسند... " (189)

" برناردبژولی " که سفیر فرانسه در کابل بود، در سال 2013 میلادی بحیث رییس سازمان استخبارات آن کشور تقرر حاصل نمود. اما قبل از آنکه کابل را ترک گوید، طی یک ضیافت وداعی، خطاب به دیپلمات های حاضر گفت:

"وضعیت افغانستان پس از سال 2014م وخیم خواهد شد... تنها افغانستان نیست که قربانی اینهمه مشکلات شده است، بلکه مواد مخدر که در افغانستان تولید میشود و قاچاق آن به

اروپای غربی، روسیه، بالکان و آسیای میانه یک چالش جدی است که بیشتر از تروریسم در این کشورها قربانی گرفته است... نمیدانم چرا جامعه جهانی، سال 2014 در افغانستان را عادی فکر میکنند، بلکه در این سال قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی در افغانستان تغییر میکند، درحالیکه تمامی مشکلات هنوز هم پابرجاست... یک کشوری که معاش سربازش را داده نمیتواند، چگونه فکر کنیم که مستقل است و میتواند بدون همکاری کشورهای خارجی حکومت داری کند..."

یکی از تحلیلگران روسی بنام " زاماریوا" طی مقاله یی تحت عنوان " پاکستان در استراتژی نو منطقه یی امریکا" نه تنها در رابطه با معضله مواد مخدر، بلکه راجع به ناکامی های امریکا و ناتو در افغانستان چنین مینگارد: " کشور های عضو پیمان اتلانتیک شمالی و دیگر کشورهای شامل در ترکیب نیرو های بین المللی پاسدار صلح بین المللی در افغانستان هنوز سرز پایان سال 2001م، عملیات نظامی را در کشور، در چهارچوب مبارزه ی جهان شمول در برابر تروریسم پیش میبرند و به رغم دامنه یابی آن در ائتلاف چهل و دو کشور شامل اند، شمار عمومی واحد های آنان به نود هزار نفر میرسد، منابع مالی بزرگی هزینه میشود. تنها بودجه ی امریکا دو میلیارد دالر در ماه برای جنگ در این منطقه تخصیص میدهد، مگر اوضاع نه تنها بهبود نمی یابد، بل به پیمانانه ی چشمگیری پیچیده تر نیز میگردد. " (190) (این آمار، قبل از طرح استراتژی جدید امریکا و فرستادن سی هزار سرباز تازه نفس توسط اوباما به افغانستان نگاشته شده است. - مؤلف)

یکی از تحلیلگران روسی بنام " زاماریوا" طی مقاله یی تحت عنوان " پاکستان در استراتژی نو منطقه یی امریکا" نه تنها در رابطه با معضله مواد مخدر، بلکه راجع به ناکامی های امریکا و ناتو در افغانستان چنین مینگارد: " کشور های عضو پیمان اتلانتیک شمالی و دیگر کشورهای شامل در ترکیب نیرو های بین المللی پاسدار صلح بین المللی در افغانستان هنوز سرز پایان سال 2001م، عملیات نظامی را در کشور، در چهارچوب مبارزه ی جهان شمول

در برابر تروریسم پیش می‌برند و به رغم دامنه یابی آن در انتلافِ چهل و دو کشورِ شامل اند، شمارِ عمومی واحد های آنان به نود هزار نفر میرسد، منابع مالی بزرگی هزینه میشود. تنها بودجه ی امریکا دو میلیارد دالر در ماه برای جنگ در این منطقه تخصیص میدهد، مگر اوضاع نه تنها بهبود نمی یابد، بل نیز به پیمانته ی چشمگیری پیچیده تر نیز میگردد. " (190) (این آمار، قبل از طرح استراتژی جدید امریکا و فرستادن سی هزار سرباز تازه نفس توسط اوباما به افغانستان نگاشته شده است. - مؤلف)

ناتو، کشورهای همسایه و مواد مخدر

ولادیمیر پوتین رییس جمهور روسیه در ماه سپتمبر سال 2012 میلادی رسماً اظهار داشت که : " ناتو در مبارزه با مواد مخدر در افغانستان ناکام بوده است... آنان مبارزه ی جدی را با این پدیده نداشته و اقدامات لازم را انجام نداده اند... سالانه بیش از بیست فیصد از مواد مخدر تولید شده در افغانستان به روسیه قاچاق میشود. سال گذشته هفتاد تن هیرویین و پنجاه و شش تن تریاک تولیدی افغانستان به روسیه وارد شده است ... افغانستان نیازمند سیاست شفاف اقتصادی است که کشور های عضو ناتو هیچ توجهی در این زمینه نداشته اند... وضعیت اقتصادی مردم افغانستان بسیار بد است و در صورت ادامه ی این وضع، تعداد زیادی از مردم این کشور به گروه طالبان خواهند پیوست.... درآمد حاصل از تولید و قاچاق مواد مخدر، برای تأمین نیازهای گروه های تروریستی و جنایات سازمان یافته ، به مصرف میرسد ... " (191)

هفته نامه " اکونومیست" نیز به تاسی از یک راپور سازمان ملل، در ماه اپریل 2012م نوشت که " تاجیکستان، مرز یک هزار و سه صد کیلو متری با افغانستان دارد و سالانه مقدار سی در صد مجموع مواد مخدر و مقدار نود تن هیرویین از افغانستان به سوی آسیای مرکزی، بخصوص به روسیه فرستاده میشود... " همچنان، در ماه سپتمبر همین سال، امام علی رحمانوف رییس جمهور تاجیکستان ضمن تماس تلفونی با حامد کرزی رییس جمهور افغانستان، فهرست ده تن

از کسانی را معرفی نمود که به زعم مقام های تاجیکی، درنا آرامی های آنسوی مرزنقش دارند. باساس گزارش رسانه های داخلی در آن موقع، اشخاص آتی شامل فهرست رییس جمهور تاجیکستان بودند: **آمرلطیف ابراهیمی مشاور کرسی، حاجی محمد عمر، میرعلم خان** از فرماندهان سابق جهادی، **انجنیر محمد وکیل در پارلمان، عبدالقدوس رییس حقوق ولایت کندز، رحمت الله خطیب از تخار، سید اکرام الدین معصومی وکیل در پارلمان، قاضی کبیر مرزبان وکیل در پارلمان، محمد حسن از فرماندهان سابق جهادی و بشیر قانع از فرماندهان سابق جهادی از تخار.** اینکه آیا اشخاص شامل فهرست بالا واقعاً درنا آرامی های داخلی تاجیکستان نقشی داشته اند یا خیر؟ مشکل است در نبود اسناد مؤثق چیزی گفت.

(192)

یک نشریه خارجی در ماه فیروری 2013م از قول منابع نظامی ایالات متحده امریکا در افغانستان نوشت که: "شرکت هوایی (کام ایر) که در ارتباط روابط سیاسی - تجارتي فعالیت میکند، بخاطر آنکه در انتقال مواد مخدر نقش دارد، از سوی بخش مبارزه با فساد ارتش امریکا در افغانستان، در لیست سیاه قرار داده شد... " (33) هرچند پسانها، منبع شرکت مذکور این اتهام را رد نمود.

قبلاً نیز "وال ستریت ژورنال" به تاریخ هفتم ماه مارچ سال 2012م نگاشته بود که برخی از نیرو های هوایی افغانستان در فعالیتهای نقل و انتقال اسلحه و مواد مخدر نقش دارند.

سایت انترنتی "شورش"، یک مقاله تحلیلی پیرامون مواد مخدر در افغانستان را در یکی از شماره های سال 2012م خویش از قلم "حفیظ بشارت" به نشر رسانید که اینک، بخشی از مقاله ی مذکور را در اینجا نقل میکنیم: "... این سوال مطرح میشود که چرا تولید تریاک و به تعقیب آن تولید مواد مخدر بعد از تجاوز امپریالیستها سیر صعودی سریعی را در پیش میگردد؟ برای پاسخ به این سوال باید به خصلت ذاتی سرمایداری و تراکم تمرکز ارزش یعنی پول توجه کرد. امپریالیستها میدانند که فنودالها مازاد مصرف شان را در

صنایع و توسعه تولید ملی مصرف نمیکنند، آنها پولی را که از تولید مواد مخدر بدست می آورند یا از بازار های امپریالیستها کالای مصرفی لوکس میخرند و یا در رشته های مختلف مبادله تولیدات سرمایداری مانند وسایط الکترونیک و پُرزه های یدکی ماشین آلات بکار می اندازند. این پولها به این قسم از کانال غیر قانونی خارج و بصورت پول " سفید قانونی" در کانالهای مختلفی که در مدار (آی.ام.اف) و بانک جهانی حرکت میکنند، بکار می افتند. در سال 2007 مقدار پول مواد مخدر افغانستان حدود 25میلیارد دالر بود که یک سوم تولید ناخالص ملی ایران را تشکیل میداد... " (193)

"یوری کروپنف" یکی دیگر از کارشناسان روسی میگوید: " ... در این حال، امریکا هیچ گونه زیان ویژه ای از حضور خود در افغانستان نمی بیند. هیرویین افغانستان سه بار کمتر از اروپای غربی و بیست بار کمتر از روسیه به امریکا میرسد. یعنی حضور در افغانستان، سراسر به سود آنهاست. برای خود پایگاهها را سر و سامان میدهند و سیل بی پایان هیرویین، نیروی کشورهای همسایه ی افغانستان را درهم میکوبد. این منطقه حجاب عاجز ماست، مگردران استراتژی های امریکایی پیاده میشود. "

در گزارشی که از طرف مؤسسه (یو.ان.او.دی.سی) در ماه جولای سال 2011م انتشار یافت، تذکر رفته است که از جمله شصت و هشت ملیارد دالرناسی از تجارت غیر قانونی تریاک در جهان، شصت و یک ملیارد دالر آن تنها از تجارت تریاک افغانستان حاصل آمده است. ولی در گزارش مذکور این نکته نیز گنجانیده شده است که از آن همه درآمد سرشار مالی، صرفاً سه درصد آن به کشاورزانی تعلق میگیرد که تریاک کشت میکنند و بقیه به جیب مافیای قاچاق مواد مخدر، کارمندان عالیرتبه دولتی و نیروهای خارجی میریزد. در گزارش همچنان آمده بود که در حال حاضر، سیزده میلیون انسان جهان، در یکسال، مقدار سه صد و هفتاد و پنج تن هیرویین را بمصرف می رسانند.

باساس گزارش رسانه ها، ابراهیم ازهرمعاون وزارت مبارزه با مواد مخدر افغانستان گفته است که " ارزش مواد مخدر این کشور سالانه به هفتاد میلیارد دالر رسیده است که بخش اصلی این پول به جیب مافیای بین المللی مواد مخدر می ریزد " وی اظهار داشته است که " افغانستان در ده سال اخیر در همکاری با جامعه ی جهانی، یکی از پُرهزینه ترین برنامه های مبارزه علیه مواد مخدر را به اجرا گذاشته ، اما این مبارزه، نتیجه ی اندکی داشته است . " (194)

یکی از عوامل ناکامی دولت حامدکرزی در زمینه مبارزه با مواد مخدر، همانا وجود فساد مالی و اداری و بالطبع، جریان رشوه گیری و رشوه دهی مروج میان مقام های امنیتی و کشت کاران این مواد در مناطق مختلف افغانستان میباشد. چنانکه نویسنده کتاب " عدم موفقیت طرح ها و سیاست های جامعه جهانی در افغانستان " ، باساس آماری که در اختیار داشته چنین مینگارد : " در سال 2007 دولت برای تخریب هر جریب مزارع تریاک در آن ولایت {هلمند} مبلغ بین سه تا چهار هزار افغانی پرداخت میکرد. دهقانانی که پول رشوه به پولیس مبارزه با مواد مخدر را نداشتند، مزارع کوچکتر شان تخریب میشد، اما آنهایی که میتوانستند رشوه بدهند، درامان می ماندند. طالبان به حمایت دهقانانی که پول رشوه نداشتند بر آمدند. همین بر خورد نا درست پولیس مبارزه با مواد مخدر که امریکا برای آموزش آنها پنجاه ملیون دالر مصرف کرده باعث شد که دهقانان خرده پا بصوب طالبان کشیده شوند... " (195)

در گزارشها همچنان گفته شد که افغانستان در سالهای اخیر، از یک کشوری تولید کننده مواد مخدر به مصرف کننده این مواد مبدل شده و بیشترین مواد مخدر، در مناطقی از ولایات هلمند، قندهار، فراه، ارزگان و بادغیس تولید میشود.

گزارشهای دیگری که در ماه سپتمبر 2013م به نشر رسیدند، حاکی از افزایش تعداد معتادان مواد مخدر در ولایت پنجشیر بود. در گزارشهای منتشر شده از قول منابع دولتی در آن ولایت

گفته شد که " معتادانِ موادِ مخدر نسبت به سالهای گذشته در مرکز و ولسوالیها (شهرکها) ی ولایت پنجشیر افزایش یافته و اداره های مبارزه با مواد مخدر و دیگر ارگانها در این مورد سکوت اختیار کرده اند. " باید علاوه نموده که ولایت پنجشیر از نظر موقعیت جغرافیایی، با ولایات تخار، بدخشان، بغلان، نورستان و کاپیسا هم مرز بوده کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر در این ولایات، مسلماً پنجشیر را نیز متأثر میسازد. مصاحبه هایی که با تعدادی از باشنده های ولایت پنجشیر انجام داده شد، اکثراً گفتند که مشکلِ بیکاری و عدم مصروفیتِ جوانان موجب گردیده تا اعتیاد به مواد مخدر افزایش پیدا کند.

در یک گزارش رسمی وزارت مبارزه با مواد مخدر افغانستان آمده بود که " معتادانِ موادِ مخدر در یک سال گذشته به ارزش چهارده ملیارد و پنجصد ملیون افغانی، معادل سه صد ملیون دالرامریکایی برای خریداری موادِ مذکور پرداخته اند. " در همین گزارش آمده بود که تعدادِ معتادانِ افغانستان حدود یک اعشاریه شش ملیون نفر، یعنی پنج اعشاریه سه درصدِ کل جمعیت کشور را تشکیل میدهند، اما خبرگزاری بی بی سی بتاریخ نهم ماه جنوری سال 2016م گفت که تاحال به تعداد سه ملیون و پنجصد هزار محتاط در افغانستان وجود دارند.

بتاریخ اول ماه سپتمبر سال 2011م، یک کنفرانس منطقه یی در دوشنبه پایتخت تاجیکستان دایر گردید که در آن، کشورهای افغانستان، تاجیکستان، روسیه و پاکستان اشتراک نموده بودند. سرانِ چهار کشورِ متذکره، علاوه از معضلاتِ ناشی از تروریسم و جُست و جوی راه های همکاری و تلاشِ مشترکِ غرض برون رفت از آن، پیرامونِ کشت، تولید و قاچاقِ موادِ مخدر نیز سخن گفتند. متعاقبِ کنفرانسِ مذکور، کنفرانس دیگری تحتِ عنوان " مبارزه با موادِ مخدر " در هفته اول ماه سپتمبر، به اشتراکِ وزرای مبارزه با مواد مخدر هر چهار کشورِ مزبور، بعنوان پنجمین نشست از این موارد، در کابل دایر گردید. پس از گفت و گو ها پیرامونِ تجارتِ غیر قانونی موادِ مخدر و زیان های ناشی از آن، فیصله نمودند تا یک " مرکز هماهنگی استراتژیک " غرض مبارزه مؤثر علیه تولید و قاچاق مواد مخدر ایجاد نمایند. طی

این اجلاس گفته شد که مقدار یکصد و بیست و سه هزار هکتار زمین، بخصوص در مناطق جنوب و شرق افغانستان زیر کشت خشخاش قرار دارد. گزارش های مؤثق از کنفرانس مذکور بیان داشتند که نماینده های هر سه کشور به توافق رسیدند که " غرض ریشه کن کردن معضله مواد مخدر، باید به سرچشمه ی تولید و توزیع آن و سر کرده گان قاچاقچیان دسترسی پیدا کنند؛ چرا که کشف مواد مخدر در سطوح پایین تر و مبارزه با توزیع کننده گان خورد و کوچک، در کاهش قاچاق مواد مخدر هیچ سودی ندارد..."

اما، تحلیلگران در این باره نظر دیگری داشتند. آنها میگفتند سرچشمه یا سرچشمه های این معضله بزرگ بشری، بخصوص در افغانستان و کشورهای همسایه کاملاً شناخته شده بوده و آن عبارت از مافیای مواد مذکور در چهار چوب قدرت های حاکمه در افغانستان، پاکستان، اروپا و امریکا میباشد که خشکاندن چنین سرچشمه ها در واقع، کار سهل و آسانی هم نخواهد بود.

وزیر مبارزه با مواد مخدر افغانستان در کابل گفت: " فیصله ای صورت گرفت که عملیات های مشترک بین کشور های منطقه، بخصوص جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان صورت بگیرد و در توسعه و ازدیاد این عملیات ها، ما مصمم و جدی هستیم تا عملیات های مشترک در سرحدات این سه کشور بیشتر و بهتر شود..." (198)

مردم افغانستان، باز هم به این دو جلسه در داخل و خارج کشور، به دیده شک و تردید نگریسته و گفتند که تدویر چنین نشست های پرهزینه و تبلیغاتی، تا زمانیکه دست کارمندان بلند رتبه دولتی و منابع خارجی در تجارت مواد مخدر دخیل است، مؤثر نخواهد بود. چنانکه مجلس سنای افغانستان بتاريخ شانزدهم ماه سنبله سال 1390 خورشیدی تشکیل جلسه داده در رابطه نشست چهار جانبه ذکر شده اعلان کردند که " بدون همکاری قاچاقبران منطقه ای، ممکن نیست که مواد مخدر به سایر کشور های جهان فرستاده شود... در مناطقی که دولت حاکمیت ندارد و مخالفان مسلح نظام در آنجا مستقر هستند، کوکنار کشت میشود و پس از آن که با مواد دریافتی از کشورهای همسایه به هیرویین مبدل میشود، به بیرون از کشور

انتقال می‌گردد... اگر افغانان می‌کارند، خارجی‌ها نیز در نیم‌کارِ دیگرِ آن شریک هستند، ورنه {به} خارج کی {مواد مخدر را} می‌برد؟ دهقانِ غریب اگر می‌کارد، ولی خارجی‌ها با آنها شریک هستند، به موتر می‌برند، به طیاره می‌برند و تلاشی {تفتیش} هم نمی‌شوند..." (197)

سناتوران همچنان اظهارداشتند که از دست داشتن مقامات دولتی در قاچاق مواد مخدریاد میشود، ولی تا حال نامِ هیچ یک از بلند پایه گان افشا نشده و قانون درمورد آنها تطبیق نمی‌گردد.

ماهِ اپریل سال 2010 میلادی بود که سازمان ملل اعلام نمود: "افغانستان بزرگترین تولید کننده ی چرس در جهان میباشد... افغانستان در رشدِ فساد و فقر نیز در مقام نخست قرار دارد و در میان کشورها، یکی مانده به آخر و در فقر نیز 36 درصد در فقر مطلق و 37 درصد دیگر در فقر خفیف قرار دارد. درنا امنی و مرگ و میرِ کودکان و زنان نیز در درجه های نخست قرار دارد." (198)

سازمان ملل نیز به مناسبتِ "روز جهانی مبارزه با مواد مخدر"، در سال 2011 میلادی آماری را به نشر سپرد که میگفت: "هشت درصد جمعیت افغانستان معتاد به مواد مخدر شده اند که هرگاه جمعیت کل کشور حدود سی میلیون باشد، به تعداد دو میلیون و چهارصد هزار انسان در این مملکت معتاد مواد مخدر هستند." در گزارش سازمان ملل آمده است که "سیزده درصد معتادان در افغانستان را زنان، هفت درصد را کودکان و دوازده تا بیست و یک درصد را افراد پولیس تشکیل میدهند."

سازمان ملل همچنان افزود که "تنها سه درصد از منافع مواد مخدر تولید شده در افغانستان به جیب مردم این کشور و نود و هفت درصد آن به جیب خارجی‌ها می‌ریزد." (199)

در راپورها و گزارشهای سازمان ملل و دیگر مؤسسات بین المللی آمده بود که اکثر معتادان کشور را افراد بین سنین 15 تا 64 سال تشکیل میدهند و برای معالجه آنان، در تمام افغانستان فقط چهل و نه مرکز وجود داشته که تنها میتوانسته یک اعشاریه شش درصد معتادان را تحت پوشش قرار دهد و بس. در گزارشی که از سوی دفتر " خدمات مطبوعاتی نیروهای مسلح امریکا" به نشر رسید، آمده بود که : " ... نهضت طالبان از تجارت مواد مخدر در افغانستان برای تأمین مخارج خود استفاده میکند. ... پول بدست آمده از فروش مواد مخدر میتواند طالبان و سایر فعالیتهای تروریستی را تمویل کند. . . . قاچاق مواد مخدر به احیای طالبان کمک کرده افغانستان را به فروپاشی تهدید میکند... " (200)

(ادامه دارد)